

مراسم تشریفات جشنواره عروسی در شغنان بدخشان افغانستان

۲۱ جدی ۱۳۸۹

تهیه و تدوین : پیکار



سنت جشنواره عروسی، یکی از کهن پای ترین رسم قدیم مردمان شغنان و سرزمین زیبایی پا میر است که در فرآیند سده ها، با در نظر داشت فراز و فرود زمان و مکان تاریخ گذشتگان ما، تغییر و تحول یافته و با به میان آمدن شرایط بهتر زیست اجتماعی و خانوادگی شیوه زندگی مدرن و پیشرفته را در آغوش کشیده و با حفظ اصول بنیادین محیطی و محلی، به جهات کامل تر و پذیرا تر برای همگان، سوق داده شده است. برای همگان واضح است که این گونه سنت ها از زمانه های نهایت باستانی و کهن به ما ها به میراث گذاشته شده که در ذات خود بازتاب دهنده شیرازه های فرهنگی و سیاق زندگی اجتماعی و باور های انسانی هستند، با مسایل و سنت های دینی، مدغم گردیده و مشترکاً در تبارز غنای فرهنگ اجتماعی مردمان این سرزمین، نقش می آفرینند. در بسا از مناطق بدخشان امروزی، در برخی از مراسم عروسی، نشانه ها و علائم ناهمگونی بر گرفته از سایر آئین های قبل از اسلام، به ویژه آئین زردشتی و مهر پرستی، به مشاهده میرسد که خود سیال بودن فرهنگ ها و مناسبات انسان ها را در بستر تاریخ دنیای بشریت، نشان دهنده است. بطور نمونه میتوان از دور خوردن دو جفت دلبند، (عروس و داماد)، و یا منور سازی چراغی از فتیله در خانه و منزل عروس و داماد، نوشیدن شیر و روغن مخلوط شده، احترام، اکرام، و تقدیس آتش، بوسیدن دو گوشه و کنار تحتانی تندور، آتشدان و یا اجاق هنگام برآمدن هر دو جفت و سایر افرادی که اراده سفر را داشته باشند، معطر و خوشبو سازی منازل به شمول اماکن مقدسه، مانند زیارت گاه ها، توسط گیاهان صحرائی و برگه درخت های به اصطلاح تقدیس و تکریم شده، یاد آور شد، که اکثر این گونه سنت ها را در مراسم عروسی سایر مردمان همجوار و هم تبار مان که در بدخشان حیات به سر می برند، قابل مشاهده نیستند.

در این مختصر سعی میورزیم تا برخی از واژه ها، عباره ها، و ساختار های لفظی

و زبانی مراسم عروسی را که در میان مردمان و محیط شغنان بدخشان، معمول و کاربرد گسترده دارند، با خواننده ها و مشتاقان این سنت و رسم، در میان گذاریم:

گهواره بخشی: این در حقیقت آن فرآیندی است که باعث نامزاد کردن پسر و دختر می شود، و این نام واژه در میان پامیری های بدخشان کوهی تاجیکستان کاربرد بیشتر دارد، اما در میان شغنایی های بدخشان افغانستان نیز وجود دارد، مگر برداشت و تفسیر دیگری از آن باید داشت و آن اینکه در گذشته ها طبق معمول، مادامی که نوزادی در خانواده ای دیده به جهان می کشود و هنوز در گهواره قرار می داشت، بر اساس قول و لفظ مادر و یا پدر، این نوزاد محیط گهواره برای شخصی، و یا خانواده ای من حیث تحفه ای برای آینده آنها به قول و قرار داده می شد که آنها در آینده حق داشتند، در صورت ابراز انکار جانب پدر و مادریا شخص عاهد، در زمینه ادعای حقوق و امتیاز نمایند. یکی از نکات با اهمیت اینگونه قول و قرار این است که خانواده های شرکای زندگی آینده همدیگر خود را درست میدانند، و هم در حقیقت تکلیف فرآیند خواستگاری میان آنها را سهل ساخته و تشویش عدم شناخت از همدیگر را نیز مرفوع می سازد.

جستجوی عروس، " نوینخ بنکید " هدف از این مطلب این است تا که عروس مورد نظر باید مطابق خواست، سلیقه، تمایلات، مقام و موقف اجتماعی والدین پسر باشد، که اکثراً در مورد داماد این گونه میلان که از کدام خانواده است، دارای کدامین مقام و موقف اجتماعی است، و از چه شهرتی در میان اجتماع برخوردار است، مد نظر گرفته نمیشود، اما برخی ها که فرزندان شان را در مجموع دوست دارند، بدون تردید به این امر نیز ارزش قایل میشوند. حتی بعضاً در زمینه هر دو جانب در تلاش آن هستند تا بدانند که داماد و یا عروس به کدام قوم، تبار، نسل، ذات، نسب و غیره متعلق هستند و دارای کدامین موقف اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگ خانوادگی هستند. در شغنان بدخشان افغانستان معمولاً فرزندان، شیخ ها، رعیت ها، سید ها، خواجه ها، میر ها، پیرها و خلیفه ها، که از دیدگاه موقف اجتماعی، اقتصادی، محیطی و عقیدتی در میان دیگران دارای برا زندگی های نا همگون هستند، مراسم ازدواج و خویشاوندی را در میان خود محدود می سازند و بدون تردید هر کدام از این اقشار اجتماعی به ندرت آماده خواهند شد تا فرزندان شان در عقد نکاح افرادی قرار گیرند که دارای مقام موقف پایان تر اجتماعی و شهرت خانوادگی باشند. بعد آنکه خانواده داماد عروس آینده شان را بعد از جستجوی دقیق دریافتند، فرآیند خواستگاری آغاز میگردد، که از دیدگاه عوام آن را کار کرد هایی برای **" مصلحت "** یا مشوره خواستن می گویند که در برخی مناطق مفهوم گسترده تر را می رساند و ارتباط دارد با فرآیند همه مشوره ها در امر پیشبرد تمام کار کرد ها و فعالیت های خانواده ها در راستای اجرای این رسم یاد شده به شمول، مراسم

تشریفات، مصارف، پذیرایی مهمانان، دوستان و غیره امور وابسته به این اقدام دوستانه و مخلصانه در میان جمعیت ها. برای بار اول پدر، پدر بزرگ، ماما، کاکا و یا فرد معظم دیگری از خانواده داماد و یا هم چند تن از همسایه ها، خویشاوندان و اقارب شان، به نزد خانواده دختر و یا عروس میروند تا موضوع را در میان گذاشته و آجندای کاری را برای خواستگاری بعدی بیافرینند. خانواده دختر مطابق سنت محیط از آنها باید پذیرایی می کنند، و شاید هم اگر از موضوع آگاهی قبلی نداشته باشند، مهمانان را به چای نوشی و صرف غذا دعوت می کنند، بخاطر آنکه میگویند مهمان دوست خدا است. اما اگر آگاهی قبلی داشته باشند که فردی و یا گروهی به این مقصد تشریف فرما می شوند، در آن صورت اگر تمایلاتی در زمینه جهت تفاهم و توافق وجود دارند، مهمان شان را حتماً به چای دعوت می کنند اگر شرایط برای تهیه غذا محدود باشد و یا هم اگر وقت برای غذا خوری مناسب نباشد، در غیر آن طعام را نیز تهیه می نمایند. اما اگر این چنین میلان وجود نداشته باشد، در آن صورت نحوه برخورد خانواده دختر، صحبت شان، به شمول حرکات آنها متفاوت بوده و هر گز چیزی را به نام ناشتا، چای نوشی و صرف غذا، تهیه و تدارک نخواهند دید که این خود بازتاب دهنده شانس کام گاری، عدم پیروزی یا دسترسی آنها به موضوع یاد شده، خواهد بود. وقتی که خواستگار ها به خانه والدین دختر می روند، بعد از یک مدتی، از ایشان پرسیده میشود که هدف از تشریف آوری آنها از چه قرار است. بدون تردید شخص موظف و موکل که باید از نقطه نظر سن و سال، و موقف اجتماعی و خانوادگی خود باید یک فرد متواضع، محترم و واجب الاحترام باشد، هدف حضور شان را بیان نموده و تکلیف شان را روشن ساخته و اظهار می نمایند که " ما نزد شما بخاطر طلب زندگانی آمده ایم"، به این معنی که دست دختر تان را می طلبیم تا در اختیار فرزند ما قرار گیرد و بعد از انجام مراسم ازدواج و به دنیا آمدن بهره زندگی مشترک آنها در آینده، که فرزندان شان خواهند بود، زندگی جدید در خانواده ما ادامه خواهد یافت و باعث مسرت و شادمانی والدین، دوستان، و نزدیکان همه ما و شما خواهد گردید. والدین دختر برای ابراز رضایت موافقت نشان خواهند داد، مهلت خواهند خواست تا سایر دوستان، خویشاوندان و اقارب دور و نزدیک خود را نیز، در جریان بگذارند و یا جواب رد خواهند داد. بعد آن مدت زمان برای مراجعه بار مجدد تعیین خواهد شد و خواستگار ها خویشان را آماده خواهند ساخت. بعضاً حتی از واسطه وسیله نیز دریغ نمی ورزند تا فرآیند خواستگاری سهل تر و زود انجام تر شده باشد.

برای خواستگاری معمولاً به تعداد 5 یا 10 تن و یا هم کمتر به خانه پدر عروس فرستاده میشوند، که بعضاً در بین آنها یک تن از روحانیون، خلیفه ها، آقسقال، ارباب، و یا هم از افراد با نفوذ دهکده حضور داشته باشند. معمولاً زمانی که برای خواستگاری میروند، بدون آنکه نتیجه مثبت و یا منفی باشد، مقداری از تکه باب را با خود به خانه پدر عروس می برند. بعد از ضیافتی که در خانه پدر عروس به مهمانان

داده میشود، یک تن از بزرگسالان خانواده یا اقارب داماد، هدف حضورشان را به میزبان بیان میکنند. در صورت ابراز رضایت از طرف خانواده عروس آینده، خلیفه که شخصیت روحانی در میان مردم است، دعای مربوط به این رسم را میخواند پدر و مادر عروس آینده و جانب داماد آینده همدیگر خود را به آغوش کشیده و با دست بوسی پدر و مادر عروس از طرف داماد و سایر مهمانان که تبارز دهنده رضایت جانیین است، محل را ترک میگویند.

بعد از این هر دو جانب در تلاش آماده سازی فرآیند ازدواج میشوند و خریداری اجناس و مواد مورد ضرورت خود را که شامل لباس عروس و داماد می باشد، آغاز می نمایند. بعد آنکه هر دو طرف آمادگی کامل خود را داشتند، در جستجوی آن میشود تا زمان و مکان را برای به اجرا در آوردن این رسم نهایت قومی و مردمی، تعیین نمایند، که به اصطلاح خیلی میهنی آن را " **ساعت و زمان** "، یاد می کنند که صلاحیت این مطلب تنها در اختیار پیر، خلیفه، روحانیون، و سید های قوم می باشد. آنها مطابق رسم و سنت عقیدتی به کتاب ای در زمینه معلومات وافر و نهایت درست در اختیار میگذارد، مراجعه می نمایند و مطابق موقعیت و یا جایگیر شدن آفتاب و مهتاب، در منطقه البروج، (**موقعیت زمانی برج ها و ماهها**)، روزی را تعیین می نمایند تا سعد و نحس بودن آن برای همگان واضح شده باشد، و در آینده برای هر دو جفت و خانواده های شان، به شمول دوستان و اقارب نزدیک شان، دارای فال نیک و حسنه باشد.

تعیین زمان، ساعت سعد و نیکو، (ساعت چیبنت) : مطابق روایات محسن سفیدان،

افراد اهل نظر، خلیفه ها و روحانیون معزز، برای بسته نکاح دو جفت و جوان در کتاب آسمانی و سایر اسناد و مدارک دست داشته که از اولیاء الله باقی مانده است، گویا ساعت و زمان معینی در نظر گرفته شده است که باید جهت حفظ و حراست سنت دیرینه عقیدتی و باور های دینی، و به منظور خوشبختی و سعادت عروس و داماد به شمول اطرافیان آنها که هدف از اقارب و خویشاوندان شان است، این بینش را از نظر نباید دور انداخت. دلیلی که می آورند این است که گویا در این هنگام فرشته ها و ملائکه مقرب که گره دهنده گان این عقد ازدواج هستند، هنگام عقد نکاح حضور دارند و بر اعمال، کردار و پندار گردانندگان این رسم و سنت پذیرفته شده نظارت دارند، تا اینکه فرآیند و شیوه کاری این سنت الهی، خلاف علایق و رغبت یکی از طرفین صورت نگرفته باشد و هم برای شان در این وقت هنگام عقد نکاح فرشته های مقرب خود، دست دعا را برای سعادت دینی و دنیوی شان، به درگاه خداوند (ج) بلند می کنند و طلب سعادت و ارادت می نمایند.

برش لباس (جامه بُران - پوبناک بنچبنت) : این رسم نیز مطابق روز، ساعت و

زمان موافق، که معمولاً روز های چهار شنبه و پنجشنبه، صورت میگیرد. مطابق سنت و رواج مردم، یک یا دو روز قبل از عروسی، خانواده عروس زنان روستا را

گردهم آورده و محفلی را به همین مناسبت بر پا میکنند و لباس های عروس مطابق سنت بُرش می کنند و بعد به دوستان، خویشاوندان و افراد شایسته ای که در مسلک خیاطی از شهرت خوبی بر خوردار هستند، تسلیم میدهند تا به دوخت آنها آغاز نمایند و برای روز موعود واپس به خانواده عروس بسپارند. در زمانه های پیشین که مردمان دارای امکانات مالی چندانی نبودند، برای عروس **3 الی 6** جوره پیراهن وپا جامه تهیه میدیدند اما اکنون رقم این موضوع به **10 الی 12** نوع تکه های مختلف النوع رسیده است که نشان دهنده امکانات مادی و زندگی اقتصادی آنها است. زمانی البسه های عروس دوخته شدند، به یک جامه دان، صندوق وبه اصطلاح شغنانی، "**یخدون**"، که معنی صندوق بزرگ را میرساند، گذاشته و برای عروس آماده می کنند. بُرش پارچه های مربوط به عروس، دارای رسم و سنت ویژه است که باید همواره مورد رعایت قرار گیرد. بطور مثال مادامی که میخواهند پارچه های تکه مربوط به عروس را به بُرش گیرند، آنها را در داخل غربال، (**غریبل**) که به شغنانی **غلیبل** نامیده می شود، می گذارند و در داخل آن یک مقدار توت را نیز می گذارند که در حقیقت غربال باز تاب دهنده ثروت و سرمایه و فراوانی در محصولات و توت نیز بازتاب نمادین شیرینی، خوش کامی و نشاط در زندگی انسان ها و مردم محل ای که دارای مشترکات فرهنگی و عقیدتی هستند، می باشد. باید گفت که مادر عروس نخستین شخص با صلاحیت و اختیار است که تکه ها و پارچه های البسه عروس را به داخل غربال گذاشته و با ادای احترام در پیشروی زنان دهکده که من حیث مهمان در خانه عروس حضور یافته اند، میگذارد و در صورت امکان یک کاسه مملو از توت و چهار مغز را بدست خود گرفته و بر روی البسه ها میریزاند تا نیت نیک شان از طریق اینگونه دعا و ثنا، برآورده شده باشد.

پارچه های یاد شده را زنی خوشبخت، نیکو صورت و سیرت، و دارای فرزند زیاد، که پدر و مادرش هنوز حیات باشند، پارچه ها را یک یک بیرون آورده و شیرینی های داخل ظرف را برسر عروس می پاشد. باید گفت که در خانه داماد هم تقریباً عین مراسم صورت می گیرد، اما با کمی تفاوت که داماد به آن نیاز بیشتری مانند عروس ندارد.

لباس داماد " بنونچه پویناک " در اواخر سده 19 و اوایل سده 20، پیراهن و تنبان (**شلوار**)، داماد را از پارچه نخی مخصوص که به زبان شغنانی "**بنونچ**"، یاد می شد و از کشور های هند و پاکستان و ترکستان چین وارد می شد و بعد ها در داخل افغانستان به ویژه کندز، تخار، بغلان و درواز به بافت گرفته می شد، تهیه می نمودند، و برای داماد پیراهن سفید، عمامه و پای افزار چرمی سرخ رنگ که به شغنانی آن را "**پهن**" می نامیدند، با بند مخصوص ساخته و بافته از پشم گوسفند که به شغنانی "**پهن بهند**"، می گویند تهیه میکردند. مزید بر آن برای داماد چکمن

و یا چین تهیه می کردند و اطراف آستین های چکمن را گلدوزی "**گلبری**"، می کردند و میگفتند این نقش و نگار آستین داماد باعث دور سازی، دیو، جن و سایر موجودات سحر انگیز گردیده و داماد را در روز برگزاری مراسم عروسی و مسرت از همه آفات ارضی و سماوی، مصون و در امان نگه میدارد.

لباس عروس " نوینخ پویناک " : لباس عروس شامل رخت خواب، نوعی روسری سرخ رنگ، پیراهن اطلس "**اطلس کُرتَه - روشت کُرتَه**"، که زمانی در میان مردم زیاد مروج بود، و همچنین نمذ که از پشم حیوانات ساخته می شد که نحوه تهیه و تدارک آن زیاد طولانی و تقریباً طاقت فرسا است، به ویژه برای قشر نسوان که مسئولیت تدارک آن را بدوش دارند. باید اضافه نمود که بعضاً خانواده عروس قبل از آنکه دختر شان به سن بلوغ خود برسد و برای ازدواج آماده شود، آنها قبل از قبل در تهیه و تدارک این وسیله که آن را نمذ گفتیم، اقدام میورزند. در قدم اول باید پشم بیشتر از 50 - 60 گوسفند را تهیه میکنند و بعد آن توسط کمانک خورد، "**خنج - خنچک**"، تمیز نموده، نرم و ملایم می سازند و بعد مقداری از آن پشم را رنگ می کنند. این پشم ها را در خریطه های بزرگ گذاشته و در جایی مصون و محفوظ جا بجا می کنند و بعد زنان دهکده به ویژه همسایه های دور و پیش خود را به منزل دعوت نموده و به تهیه و تدارک نمذ که حیثیت فرش سنتی را دارد، اقدام می ورزند. پشم موجوده را روی آستانه خانه "**نهخ**"، فرش نموده و روی آن آب گرم میریزند، بعد پشم های رنگ شده را مانند گل و یا سایر گونه های نقش و نگار روی پشم های عادی قرار میدهند. برخی ها میگویند و شهادت میدهند که گویا در زمانه های نهایت قبل حتی نام عروس را بر روی این نمذ یاد شده می نوشتند و بعد آنرا به تهیه و تدارک میگرفتند. بعد آن خانم ها پشم فرش شده را در یک فرش قوی و ضخیم تر یا به اصطلاح وطنی، گلم "**پلهس**"، پیچانده و بعد خانم های دعوت شده همه به گونه دسته جمعی پشم لوله شده را که در داخل گلم گذاشته شده و توسط تار و تناب محکم بسته شده است، به زیر زانو های شان گذاشته و توسط آرنج های شان به حمایه زانو ها، به تابیدن و یا بهتر گفته شود، به مالیدن آن آغاز گر می شوند. باید گفت مدت زمان تهیه نمذ حدود شش الی ده ساعت را در بر میگیرد، و بعد از آنکه به پایه اکمال رسید آن را بر روی سنگ های بزرگ که بیرون از منزل در میدان های بزرگ سنگ زار، به زیر آفتاب قرار میدهند تا خشک گردد.

کلوچه پزی " کلچه پهینت " : باید گفت که دو سه روز قبل از مراسم جشن عروسی دوستان، خویشاوندان و همسایه های دور و نزدیک بخاطر رسم و سنت کلوچه و حلوا "**خبینخ**"، پزی جمع می شوند. خانواده عروس باید برای خانواده داماد، صد کلوچه و مقدار معین حلوا در داخل یک کاسه چوبی که اکثراً به نام "**رکیبی**"، یاد می شود

تهیه میکنند و مادامی که عروس به طرف خانه آینده و دایمی خود، حرکت میکند، آن چه را که تهیه دیده بودند در منزل عروس همزمان با عروس انتقال داده میشود.

خبرسازی "جهت چید" ، با در نظر داشت شرایط زمان و مکان، برای خانواده های منتظم کننده سنت و مراسم عروسی شرایط آگاه ساختن مردمان دهکده ها به منظور اشتراک در مراسم عروسی، هر دو جانب در نتیجه تفاهم مشترک با همدیگر، یک الی دو روز قبل از عروسی یک فردی از افراد دهکده را مؤظف می کنند تا مسئولیت آگاه ساختن مردم دهکده را بدوش گرفته و همگان را باید در جریان قرار دهد. این شخص را **"جهتگر"**، میگویند که معمولاً بچه های جوان و نو جوان را می فرستند تا خانه به خانه رفته و همه آنها را به عروسی دعوت نماید. مادامی که این فرد به داخل خانه فردی داخل شود، عباره زیر را زمزمه می کند **"سلام علیکم مهبینک آش"** ، یعنی سلام بر شما و شما را برای نوش جان نمودن آش باقلا - باقلا، دعوت میکنم و صاحب خانه در پاسخ شخص مذکور با اظهار این عباره چنین میگوید **"و علیکم بر سلام، پینجینک خوبنپه"**، یعنی ما میخواهیم اتاله (**آرد داله**)، ارزنی بخوریم، و به تعقیب آن مقداری آرد گندم را بدست راست خود گرفته و بر شانه راست شخص دعوت کننده میریزاند و بخاطر دعوتش، چیزی را باید در اختیارش بگذارند که به نام مزد دعوت یا به زبان شغنانی **"جهتونه"**، یاد می شود، که میتواند شامل پول نقد، محصولات دستی، آرد، گندم و غیره باشد.

جشن عروسی کوچک "بئین سورک" : این جشنواره و گرد هم آیی خود مانی فقط یک روز قبل از مراسم اصلی عروسی بزرگ، هم در خانه عروس و هم در خانه داماد، گرفته میشود تا باعث جمع آمد خویشاوندان، اقارب و نزدیکان هر دو جانب گردیده و برای فردا باید برخی از وظایف را که عبارت از تمیز نمودن برنج، ریزه کردن پیاز، ذبح حیوانات برای مراسم روز بعدی، و سایر مکلفیت ها را در میان خود تقسیم نموده و افراد و اشخاص را توظیف می کنند و با رقص و پایکوبی مختصر خانه میزبان را ترک میگویند.

جشن عروسی بزرگ "کته سور"، : روز جشن عروسی بزرگ برای خانواده عروس و داماد بخاطر مصارف گزافش، خیلی تشویش آور است. صبح روز جشن بزرگ، عروس را مُلبَس میکنند، جوراب های پشمی سرخ و سفید را برایش می پوشانند و هم در اطراف سرش تکه سرخ را که به نام سربندک یاد میشود، بسته میکنند. بعضاً لباس های استفاده شده عروس را دوستان و خویشاوندانش در میان همدیگر خود، تقسیم می کنند، با در نظر داشت فلسفه اینکه اگر دختر جوانی که لباس های مستعمل شده عروس را به تن کند، در حقیقت به زودی و به خوبی به

سوی ازدواج مؤفّقانه می‌رود. بعد یکی از زنانی که خوشبخت است، دارای فرزندان زیاد و خوش سیرت است، موهای عروس را شانه می‌زند و بعد به موی سر عروس **" کاکل بند سرخ شیشه دار - آویزه دار "** که به شغنائی آن را **" پیچک "** می‌گویند می‌بندد. باید گفت که گونه های نا همگون آرایش و پیرایش زنانه ای که در دهات مروج است، به ویژه در برابر موی سر، بافت های زیبا، شکل و گونه های مقبول وطنی، را به اجرا در می‌آورند.

به گوش و گردن عروس زیورات زیبا و گران قیمت، و مهره های گردن به شمول انگشتر می‌پوشانند. در شغنان زمانی که برای عروس انگشتر می‌سازند، باید از سنگ های ویژه انتخاب شود، زیرا این سنگ ها هر کدام دارای برازندگی و ویژگی های خودی هستند. مثلاً انگشتری با نگین یاقوت سرخ گفته میشود که باعث دوری هر گونه بیماری ها می‌شود. انگشتری با نگین زمرد، بازتاب نمادین بخت زنان است. و یا هم می‌گویند اگر سنگ زمرد در بدن زن وجود داشته باشد، فرزند زایش فرزند را سهل و آسان ساخته و فراهم کننده اسباب خیر و برکت در خانواده میشود. همه داشته های عروس را به شمول زیورات اش، به نام **" انجام "**، که به شغنائی **" انجام "** تلفظ میشود، یاد میکنند.

مهمان ها و دعوت شده ها از طرف روز در خانه پدر عروس جمع می‌شوند. برای آنها بازی سنتی **" گج تیزد "**، **(بز کشی)**، را ترتیب و تنظیم می‌کنند و همه گان را به این بازی که واقعاً نهایت دلچسپ است دعوت میکنند. آنهایی که در این مسابقه برنده می‌شوند و یا از خود مهارت درستی را نشان دهند، به آنها چکمن را که از محصولات محیط شغنان می‌باشد من حیث تحفه پیشکش میکنند. در بعضی از نواحی، غیر از بز کشی، مسابقه کُستی و یا پهلوانی را نیز به راه می‌اندازند. باید گفت که پهلوان برنده به حیث سر پهلوانان روستا و سایر دهکده ها شناخته میشود و همگان نزد او میروند تا فن پهلوانی را بیاموزند. بعد آن همه اشتراک کننده ها به خانه پدر عروس می‌آیند و مصروف صرف غذا می‌شوند. غذا های عروسی در هر جشن و در هر خانواده متناسب به شرایط و وضعیت زندگی اقتصادی آنها از هم متفاوت می‌باشد. هم زمان در خانه داماد نیز این جشن عروسی برگزار میگردد. دوستان و اقارب داماد او را غسل داده و بعد وی بدوش نموده و داخل خانه می‌سازند یا در برابر اجاق میگذارند تا سرما خورده نشود و یا هم به جای معین دیگری در خانه قرار می‌دهند. به تعقیب آن با پوشاندن لباس های سفید که نماد صداقت و مصونیت فکری و خانوادگی است، مراسم را ادامه میدهند و بعد از آن الی ختم عروسی و حتی برای سه روز داماد را **" شاه "**، یا به گونه ساده **" بنه "** و **" شه "**، می‌گویند.

کهل تهنیت، " سر تراشان ": در ساعت، زمان و مکان مناسب **" شاه "** را برای سر تراشان آماده می‌کنند و رسم سر تراشان را آغاز می‌کنند. روی داماد را بسوی قبله کرده و بدنش را با تکه نو می‌پوشانند و سر سلمانی **(سلمانی ماهر)**، سر و صورت

داماد را تمیز نموده و با تراشیدن ریش و کم ساختن موی سر که به اصطلاح محیطی "**پریت**"، می گویند مراسم را ادامه میدهند و در این اثنا شخص سر تراش بعضاً توقف می کند و میگوید که "**تهغ**" یا "**پل**" نهایت کند است، و یا هم میگوید که آب زیاد سرد است، تا از جانب دوستان و یا اشخاص دور و بر، برایش پول و یا هدیه ای داده شود و باز دوباره شروع به کار می کند، هنر مندان محلی به سرایش شعر: **امروز چه روز سر تراشان است سرک شه تربوز غیلان است**. میپردازند.

بعد آنکه موی سر داماد تمیز شد، لباس های دامادی اش را که شامل چکمن سپید، دست کش پشمی سپید، دستار یا لنگی سپید، پای افزار چرمی به رنگ قرمز، پیراهن سپید، جوراب های پشمی رنگارنگ، دستمال گلدوزی است، به کمک شخص مؤظف ای که به نام "**پموکگهر**"، (**مُلَبَس کننده**)، می نامند، به تن می نماید. در وقت پوشاندن لباس شخص همکار همواره واژه های: لباس ها تنگ هستند، جوراب درست نیست، و سایر مسایل را یاد آور می شود، تا چیزی را من حیث پاداش از والدین، دوستان، اقارب و خویشاوندان داماد، و مهم تر از همه، خواهران و برادران، بدست بیاورد. بعد آنکه داماد با لباس های دامادی اش ملبس گردید، مهمان ها داخل خانه شده و ملای محیط به خوانش دعای ویژه که با مناسبت یاد شده وفق داشته و اکثراً به نام دعای سفر یاد می شود، به خوانش می گیرد. بعد غزل سرایان به سرایش: **شاه ما در سفر است**، **پادشاه ما در سفر است**، با شاه حرکت می کنند. داماد قبل از آنکه از خانه اش برآید، باید بطرف دیدگان، یا تنور رفته و دو کنار آتشدان را به علامه تقدس تماس نموده با بوسیدن آنها میخواهد که از خانه بیرون شود. در این اثنا بدون تردید بوته خوشبویی را که به شغنائی "**سیتَرخم**"، می نامند و یک نوع بوته کوهی است مانند لوبان هندی، مشتعل بوده و همگان آن را به علامه احترام بوسیده و بسوی دروازه خانه در حرکت می شوند. باید گفت که این سنت بوسیدن دو کنار آتش دان را به شغنائی، "**زینگک دریافت چید**" می گویند.

"**شاه**"، (**داماد**)، و همراهان وی بعد از انجام این سنت عازم خانه عروس می شوند. هنگامی که داماد از خانه بیرون می شود، الی هفت قدمی کسی نباید در جلو وی قرار داشته باشد، تا به اصطلاح محیطی، شخص شوم، نحس، و بد نییتی با شاه روبرو نه شده باشد. در این اثنا شاه را باید دو وزیر: وزیر دست راست و وزیر دست چپ، همراهی کنند و داماد را به خانه عروس می رسانند. در زمانه های سابق وقتی که "**شاه**"، سوار بر اسب به خانه عروس روانه می شد، وزیران وی نیز سوار بر اسب به دو طرف او قرار میگرفتند.

مادامی که شاه بطرف خانه عروس روانه می شد، جوانان دهات راه رفت و آمد داماد و همراهانش را بسته نموده و میخواستند پاداشی بدست بیاورند و با خواندن این دعا:

"**دوام دولت پادشاه، به دم گرم شاه اولیا و اوصیا، تیغش برا، زبانش گویا، دشمنانش زیر پا**"، که با واژه آمین، همراهی می شد، راه را باز میگذاشتند و هر قدری که راه طولانی تر می بود، امکانات این چنین حرکات بیشتر به نظر می رسد.

قافله داماد با خوانش سروده: **" شاه ما آمد، پادشاه ما آمد "** وارد خانه عروس می شوند. داماد و همراهانش در خانه عروس در ابتدا با چای و شیرینی و بعد با خوراک دیگری که به زبان شغنائی آن را **" قماج تریت "** که به زبان فارسی - دری آن را نان مالیده با روغن زرد میگویند، مورد پذیرایی قرار میگیرند و بعد خوراک سنتی را به همگان به سفره میگذارند.

مراسم بستن نکاح: مراسم تشریفات نکاح بعد از خوردن خوراک آغاز میشود. نکاح دوشیزه ها، معمولاً از طرف روز بسته میشود، تا داماد و عروس بتوانند زود تر به خانه اصلی شان برسند، اما اگر عروس قبلاً از دواج نموده است، نکاح او در پیشین یعنی بعد از نشست خورشید بسته میشود، و این مسئله تا حدی با مسایل سنتی و برخی نظریات آغشته است که گویا یک نوع تفکیک و شناخت از سابقه عروس نیز است. مراسم نکاح را ملای مؤظف و ندرتاً خلیفه محل که شخص روحانی است، به پیش می برد. در آغاز یک کاسه چوبی در برابر نکاح خوان گذاشته میشود، که در داخل آن یک دانه نان فطیر، گوشت ران گاو و یا گو سپند، و یک کاسه آب که در داخلش توته های گوشت و ریزه های نان ریخته شده است.

فرآیند بسته کردن نکاح توسط یک تن نکاح خوان، یک وکیل و دو تن از گواهان که یاری رسان برای شخص نکاح بسته کننده هستند، صورت میگیرد. وکیل بعد از خواندن دعا، ظرف آب نکاح را به نزد عروس که در جای دیگری دور از نظر سایر مهمانان، قرار دارد می برد. در این اثنا اگر دایه یا عمه عروس شیر بها را نگرفته باشد، وکیل را اجازه ورود به اتاق عروس نمیدهد و در جلو وکیل قرار میگیرد و حق شیر یا شیر بها را می خواهد. مادامی که دایه و یا عمه عروس حق شیر را گرفتند و یا شخص حق شیر دهنده عهده دار پرداخت آن شد، به وکیل اجازه داده میشود که با ظرف آب نکاح نزد عروس برود. وکیل باید رضایت عروس را برای بستن نکاح بگیرد، و در صورت ابراز رضایت، عروس باید از داخل ظرف آب نکاح یک توته گوشت، پارچه ای از نان و هم کمی آب را از ظرف گرفته نوش جان نماید. بعد آن وکیل دوباره نزد نکاح خوان آمده و در حضور داشت دو تن از گواهان ابراز رضایت عروس را برای نکاح خوان و داماد، اعلام میدارد. بعد از این دو گواه ابراز نظر و شهادت وکیل را تایید نموده و نکاح خوان به خوانش خطبه نکاح آغاز می کند. بعد از به سر رسانی فرآیند نکاح، دو جفت آینده، عروس و داماد، به همدیگر دستمال میدهند که باعث استحکام پیوند این دو جفت در آینده گردد و هر دوی آنها باید الی آخر مرحله زندگی شان، بدی ها و خوشی های روزگار را مشترکاً میان خود تقسیم کنند. بعد از ختم نکاح، یک تن از زنان ای که قرابت بیشتر به عروس را داشته و دارای فرزندان زیاد است، و در عین زمان پدر و مادر اش نیز زنده هستند، عروس را آرایش میکند. اولاً بر سر عروس میوه های خشک و شیرینی را پاشانیده لباس های عروس را که در هنگام مراسم جامه بران تهیه شده هستند، به عروس می پوشاند و در عین زمان

جهت بوی خوش بوته کوهی را نیز مشتعل می سازند. بعد آنکه لباس عروس را برایش پوشانند، عروس نوک انگشتان دست راست خود را برای سه بار به کنار آتشدان تماس داده و بر پیشانی اش مالیده و می بوسد. سپس عروس و داماد هر دو مشترکاً به نزدیک آتش دان آمده کمی خاکستر را گرفته به داخل پای افزارهای خود میریزند تا از آفات زمینی و آسمانی در امان باشند. پس از انجام این رسم داماد و عروس یک جا با مهمانان و اشتراک کننده های مراسم عروسی، با نواختن دف، چنگ و نی و سایر وسایل موسیقی، با سرایش آهنگ های محلی عازم خانه و کاشانه داماد میشوند. عروس و داماد را داخل خانه ساخته و جای ویژه ای که برای شان در صفا بزرگ خانه که به شغنائی "**بهر نهخ**"، میگویند در نظر گرفته شده است، قرار میدهند. هر دو عروس و داماد هنگام نشستن سعی میورزند تا یکی زود تر و دیگری دیر تر بنشینند، زیرا می گویند و باور دارند که، گویا هر کسی که زود تر به زمین نشست، آن فرد نسبت به شخص دیگر قوت و حاکمیت کمتر در زندگی مشترک آینده خواهد داشت، از این سبب هر دو طرف برای این مسئله در سعی و تلاش قرار میگیرند تا یکدیگر را در تغافل قرار دهند.

در خانه داماد سنت دیگری نیز صورت میگیرد، و آن عبارت از این است که یک تن از افراد درستکار، شایسته و دارای پدر و مادر باید روی عروس را که با چادر ویژه پوشانده شده است، با ابراز واژه سه پدر و سه مادر برای سه بار توسط وسیله ای که به نام کمانک یاد میشود، بر میدارد و در حقیقت صلاحیت پدر معنوی را پیدا میکند، و گفته میتواند که من (**پدر معنوی**)، نیز شامل مقام پدر و مادر تو هستم، و برای آینده پدر خوانده "**پد**"، و خانمش، مادر خوانده، یاد میشود، که به زبان شغنائی آن را "**پیخ پت چید**"، میگویند. بعد آن مطابق سنت خویشان عروس طفل خورد سالی را روی زانوی عروس میگذارند تا این دو جفت در آینده صاحب فرزندان زیاد شوند. بعد آن نان را با روغن زرد مالیده برای داماد و عروس میخورانند، و معنی آن این است که زن و شوهر در آینده در زندگی زنا شوهری شان باید اختلاط یابند و دارای زندگی شیرین و پر مزه شوند. پیش از آنکه غذای اصلی را پیش روی عروس و داماد بگذارند، کاسه غذای آنها را دور ستونی به نام "**شاه ستون**"، که به شغنائی "**بنه ستن**"، یاد میشود دور میدهند و بعد در برابر این هر دو جفت میگذارند تا نوش جان کنند. صرف خوراک و اقوات، (جمع قوت)، پدر و مادر، خویشاوندان، و همسایه ها تحفه ای را برای عروس میدهند که به نام "**روی بینک**"، یا روی نمایی میگویند. حتی در این هنگام برخی از زنان دهات نیز بخاطر دیدن عروس می آیند و با خود تحایفی را نیز، می آورند.

Kalzenaid، "**کهل زنه**" (**سر شویی**)، سنت است که باید بعد از سپری شدن هفت روز از مراسم عروسی، برگزار شود. در این وقت پدر و مادر عروس، با پدر خوانده عروس و همسرش، (**اگر زن نداشته باشد با مادرش و یا یک تن از زنان خانواده اش**)، به خانه داماد میروند، و هر کدام شان برای عروس هر چه که لازم

باشد، به ویژه مسایل و سایل آرایش و پیرایش، من حیث تحفه پیشکش میکنند. در خانه داماد ضیافتی ترتیب و تنظیم میگردد و همه مهمان ها در اطراف سفره خانواده گرد هم می آیند و بهم صرف طعام نموده و کسب آشنایی میکنند. خانواده شاه مطابق امکانات و سنت محیطی شان، برای پدر و مادر عروس به شمول پدر خوانده اش، تحایفی را نیز تقدیم میکنند، و بعد از مدت زمانی که لازم است، همه مهمانان خانه شاه را ترک گفته و با همگان خدا حافظی نموده و برای عروس و داماد، زندگانی پر از محبت، دوستی، همدیگر فهمی و ایجاد فضای درست خانوادگی، دعا و ثنا را نثار میکنند.

هیچ شادی نیست اندر این جهان

بر تر از دیدار روی دوستان

هیچ تلخی نیست بر دل تلخ تر

از فراق دوستان ای پر هنر (از رودکی استاد اندیشه و سخن)